

گفتمان تاراج

• شبیم سرآمد
• کارشناس ارشد تاریخ اسلام



- تاراج بزرگ؛ آمریکا و غارت میراث فرهنگی ایران (۱۹۴۱-۱۹۲۵م)
- نویسنده: دکتر محمدقلی مجد
- مترجمین: گ - مرادی، مصطفی امیری
- تهران، مؤسسه‌ی مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۸، ۴۳۳ صفحه

مقدمه:

مطالعات شرق‌شناسی در سال ۱۳۱۲ م، با شکل‌گیری کرسی تدریس زبان‌های شرقی در دانشگاه‌های اروپایی آغاز شد. این مطالعات با رونق سفرنامه‌نویسی در پی عصر اکتشافات تداوم یافت و از ربع آخر قرن هجدهم بر مبنای گفتمان مدرنیته به صورت یک رشته مطالعات علمی درآمد. از آنجائی که در این گفتمان دانش و قدرت در پیوند با هم معنا و مفهوم می‌یافتند، قدرت‌های امپریالیستی به تدریج از دانش حاصل از مطالعات شرق‌شناسی برای نفوذ، تسلط و غارت منابع طبیعی و فرهنگی ممالک تحت استعمار بهره‌برداری کردند.

«محمد قلی مجد»، استاد بازنشسته دانشگاه پنسیلوانیا، در کتاب خود با عنوان «تاراج بزرگ» با تأکید بر اسناد وزارت امور خارجه ایالات متحده، نشان می‌دهد که در عرصه‌ی روابط فرهنگی و علمی رابطه‌ی ایالات متحده و ایران در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش/۱۹۴۱-۱۹۲۵ م در قالب «گفتمان تاراج» تعریف می‌شده است. به عبارت دیگر، وی بیان می‌دارد که یکی از نتایج پیوند دانش حاصل از مطالعات شرق‌شناسی و قدرت امپریالیستی، نفوذ «گفتمان تاراج» در اندیشه و عمل شرق‌شناسان در عرصه‌ی روابط علمی و فرهنگی با ممالک تحت استعمار است. چنان‌چه شرق‌شناسان و مؤسسات شرق‌شناسی در ایالات متحده به بهانه‌ی تحقیق و پژوهش به غارت آثار باستانی و گنجینه‌های هنری ایران در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۰۴ ه.ش پرداخته و همانند سیاستمداران و مأموران وزارت امور خارجه و سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا در ایران، رفتار می‌کردند. (صص ۱۰-۹)

درباره‌ی نویسنده

«محمد قلی مجد» در ۲۶ اسفند ۱۳۲۴ ه.ش در تهران به دنیا آمد. وی تحصیلات خود را در دانشگاه‌های سن آندریو (۱۹۷۰م)، منچستر (۱۹۷۵م) و کرنل (۱۹۷۸م) با درجه‌ی دکتری به پایان برد و به تدریس در برخی از دانشگاه‌های آمریکا، از جمله دانشگاه پنسیلوانیا

یکی از نتایج پیوند دانش حاصل از مطالعات شرق‌شناسی و قدرت امپریالیستی، نفوذ «گفتمان تاراج» در اندیشه و عمل شرق‌شناسان در عرصه‌ی روابط علمی و فرهنگی با ممالک تحت استعمار است

گفتمان تاراج

ایران اختصاص دارد. بلافاصله بعد از لغو قرارداد، می‌توان شاهد اعزام هیأت‌های باستان‌شناسی متعدد از آمریکا به ایران و تاراج آثار باستانی ایران به صورت گسترده توسط موزه‌های آمریکایی بود. شرح اقدامات این موزه‌ها که به دو دسته عادی و دانشگاهی تقسیم می‌شدند، رابطه‌ی‌شان که به شکل همکاری و رقابت بود و آمار هیأت‌های اعزامی باستان‌شناسی به ایران در فصل چهارم توضیح داده شده است. (صص ۳۸-۴۱) در فصل پنجم، مخدوش شدن روابط بین این موسسات شرق‌شناسی و دولت ایران به دلیل کاوش غیرقانونی در تخت جمشید شرح داده شده است. (ص ۴۳) فصول ششم تا نهم نیز به ماجرای تهاجم دیپلماتیک آمریکا و فشار به دولت ایران برای کمک به موسسات شرق‌شناسی در تاراج آثار باستانی ایران می‌پردازد، همین امر به عقیده‌ی دکتر مجد می‌تواند در روابط آینده‌ی ایران و آمریکا تأثیر جدی بگذارد زیرا نشان می‌دهد که روابط آمریکا و ایران از همان ابتدا بر مبنای نابرابری، تهدید، اجبار و استعمار بوده است. (صص ۴۴-۵۰)

در انتها بنا به گفته‌ی دکتر مجد، اکثر منابع این تحقیق حاضر را مدارک وزارت امور خارجه آمریکا تشکیل می‌دهد زیرا قسمت اعظم منابع دولتی ایران در زمان رضا شاه، در طول حکومت پسرش محمدرضا طی سال‌های ۱۹۷۸-۱۹۴۱ م از بین رفت و لذا نمی‌توان مدارکی از باستان‌شناسی ایران را در فاصله سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۲۵ م یافت. بدین ترتیب، برخلاف فقدان منابع دولتی در ایران، مدارک وزارت امور خارجه آمریکا در مورد باستان‌شناسی ایران و موزه‌های آمریکا بسیار غنی است. منبع بسیار مهم دیگری که نویسنده‌ی کتاب از آن استفاده کرده است نامه‌نگاری‌های بین دفترهای اجرایی کاوش در ایران و موزه‌ها در آمریکا بوده است. (صص ۵۰-۵۲)

از این رو به نقل از سخن ناشر این اثر، می‌توان بیان داشت که کتاب حاضر نه تنها برای اهل تحقیق و تاریخ جالب توجه است بلکه برای درک درست رفتار و نحوه‌ی تعامل یک قدرت امپریالیستی با مردم مشرق زمین برای اهل دیپلماسی نیز مفید می‌باشد.

(۱۹۹۸-۱۹۹۳ م)، مشغول شد. وی از ۱۹۹۹ م به طور تمام وقت به تحقیق و تألیف در حوزه‌ی تاریخ معاصر ایران اشتغال دارد. پیش از این مقاله‌ی حاضر درباره‌ی کتاب «تاراج بزرگ» دکتر مجد، در ماه‌نامه تخصصی تاریخ و جغرافیا به شماره مسلسل ۱۲۶، آبان ۱۳۸۷ کتاب ارزشمند دیگری از این مؤلف با عنوان «قحطی بزرگ» توسط امیر هاشمی مقدم معرفی و بررسی شده است.

درباره‌ی مطالب کتاب

از لحاظ دکتر «محمدقلی مجد» در فصل اول کتاب «تاراج بزرگ»، که عنوان مقدمه را بر خود دارد، آغاز تلاش جدی شرق‌شناسان اروپای غربی و بعدها آمریکایی برای دستیابی به آثار باستانی ایران به قرن نوزدهم باز می‌گردد. این تلاش در ابتدا به علت شکل‌گیری قرارداد ۱۹۰۰ م مبنی بر دادن حق انحصاری و دائمی کاوش‌های باستان‌شناسی در ایران به فرانسه ناکام ماند زیرا با دادن این امتیاز انحصاری از یک سو دولت ایران این امتیاز را از دیگر دول سلب می‌کرد و از سوی دیگر به سبب جنگ در خاک ایران در جنگ جهانی اول ۱۹۱۸-۱۹۱۴ م کاوش باستان‌شناسی عملاً ناممکن می‌شد. ولی این نکته لازم به ذکر است که به نظر دکتر مجد در طی همین جنگ جهانی اول با اشغال ایران توسط انگلیسی‌ها و حذف رقیب دیرینه ایشان یعنی روس‌ها که درگیر انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م بودند، زمینه تاراج آثار باستانی ایران شکل گرفت. چرا که انگلیسی‌ها پس از تصرف نظامی ایران و تسلط کامل بر منابع نفتی آن از طریق شکل دهی کودتای ۲۱ فوریه ۱۹۲۱ م و برقراری حکومت استبدادی رضا شاه، برای جلوگیری از نفوذ آمریکایی‌ها بر مسائل نفتی ایران، زمینه را برای دسترسی انحصاری آمریکایی‌ها به آثار باستانی ایران در فاصله سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۳۱ م فراهم کردند.

بدین ترتیب، تصادفی نبود که آمریکایی‌ها هیچ‌گاه با تسلط انگلیسی‌ها بر امور نفتی ایران به چالش برنخاستند. (صص ۱۸-۳۱) لذا، فصل دوم و سوم کتاب حاضر، به تلاش‌های دیپلماتیک آمریکایی‌ها برای لغو قرارداد انحصاری کاوش برای فرانسوی‌ها در